

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه کننده: مهرداد صبوری، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۸ اپریل ۲۰۱۱

گفت و گوئی کوتاه با یک کارگر مهاجر افغان

به نام امان

سلام خسته نباشید آقا امان: قربانت ممنون

امکان دارد به چند سوال ما در مورد وضعیتی که در آن قرار دارید جواب بدهید؟

پاسخ: بفرمائید

چند سال است که به ایران آمده اید و اولین بار چند سال داشتید؟

پاسخ: سن من ۳۴ سال است و ۱۴ سال است که به ایران می آیم و اولین بار ۲۰ ساله بودم که به ایران آمدم و در

شاروالی [شهرداری] ۲ سال مشغول به کار بودم

تشکیل خانواده داده اید؟

پاسخ: بله من ۱۰ ساله بودم که برادر بزرگم به دست طالبان [مذهبیان افراطی] کشته شد و زن برادرم را برایم عقد

کردند که ۲ تا بچه داشت، در سن ۱۵ سالگی هم رسماً ازدواج کردم که حاصل این ازدواج ۵ بچه است ۳ تا دختر و

۲ تا پسر

دلیل اصلی شما از آمدن به ایران چه بود؟

پاسخ: در افغانستان کار نبود و ما در آنجا امنیت جانی نداشتیم چون آنجا نه میشه کار کرد نه میشه زندگی کرد. خود

شما هم میدانید الان طالبان و نیروهای امریکائی، افغانستان را اشغال کرده اند.

وضعیت کار را در ایران چطور می بینی؟

پاسخ: ایران نسبت به افغانستان وضعیت بهتری دارد حداقل جانم در خطر نیست، اما ما کارگران افغانی هیچ گونه

بیمه ای نداریم و حتی مجبور می شویم با کمترین مزد سخت ترین کارها را انجام دهیم

آیا تا به حال برای شما یا دوستانتان پیش آمده که در جایی کار کنید اما دستمزدتان را ندهند؟

پاسخ: بله من خودم ۱ سال پیش وقتی به افغانستان برای دیدن خانواده ام رفتم ۲ میلیون تومان پیش کار فرما مانده بود که قرار بود از طریق یکی از دوستانم برام بفرستد ولی بعد از ۱ سال که به ایران برگشتم کار فرما میگه تو هیچ پولی پیش من نداری، من هم مجبور شدم ساکت باشم چون من را تهدید کرد که اگه حرفی بزنم به پولیس زنگ میزنه و مرا دستگیر می کنند آخه به ما میگن شما کارگر مهاجر غیر قانونی هستید.

در ماه چقدر پس انداز دارید آیا به مخارج زندگیتان می رسد؟

پاسخ: اگر نزد پیمانکار یا کار فرما کار کنم و به میدان کار نروم حداکثر ۴۰۰ هزار تومان در ماه کار می کنم و در ماه ۱۵۰ هزار پس انداز می کنم البته ناگفته نماند که این پس انداز حاصل صرفه جوئی در خرید، مواد غذایی و بهداشتی است وگرنه شاید در ماه قرضدار [بدهکار] هم شوم.

در این مدت که در ایران کار می کنی محل سکونت شما کجاست و چگونه است؟

پاسخ: مثل اکثر کارگران ساختمانی در محل کار اتاقی بی در و پیکر را درست کرده ایم و در همان جا زندگی می کنیم که حمام و دوشوئی مناسب ندارد، در زمستان از سرما می لرزیم و در تابستان از گرما رنج می بریم.

برای آینده ات برنامه ای داری؟

پاسخ: راستش را بخوای دیگر خسته شدم از این زندگی و می خواهم به افغانستان برگردم آنجا یک مغازه کوچک دارم که می خواهم بقالی باز کنم . دیگر طاقت دیدن گریه زن و بچیم را ندارم وقتی می آیم ایران.

ممنون از اینکه به سوال های من جواب دادید آگه مطلبی هست که گفته نشده می تونی بگی

پاسخ: از مردم ایران می خواهم نگاهشون را نسبت به ما کارگران مهاجر افغانی عوض کنند هرچه باشد ما هم یک انسانیم و قربانی نبود کار و امنیت در کشورمان هستیم وگرنه یک ساعت کنار زن و بچه ام را به صد سال زندگی کردن در اینجا عوض نمیکنم.